

۲

نقدی بر متن «فاظ‌های مصطلح» و حاشیه آن

باز هم مطالعه نوشته‌های دوست دانشمند آقای حکیم‌فرو فاضل ارجمند آقای مرتضوی برازجانی، در شماره اخیر مجله، حقیر را، که قصد نداشتم دیگر در این خرده‌گیری‌ها شرکت کنم، پیاس خاطر مبتدیانی که ممکن است از خواندن آنها به شبهه بیفتند، بنوشتن این مختصر و توضیحی اندک در نوشته آنان و ادارکرد بدین شرح:

۱- «تقدیر» البته چنین بنظر میرسد که این کلمه ترکیبی است از «قدر» عربی و «دانی» فارسی که در سالهای اخیر، در غالب کتب و مکاتیب، ترکیباً «بهمین معنی رایج»، مورد استعمال و تداول عامه است، اما عجب اینجا است که عین همین لفظ را، در عین همین معنی، ادباء و نویسندگان عرب نیز بکار می‌برند و در مقام شکرگزاری مینویسند «کلمه تقدیر» و یا «شکرو-تقدیر» حال باید دید که آیا عربی‌زبانان با قبول این ترکیب از زبان فارسی باین استعمال تن داده‌اند و یا محملی صرفی بر طبق قواعد زبانشان (که بر بنده مجهول است) جهت آن یافته و به تداول آن پرداخته‌اند؟

۲- در مورد «یک وقتی و یک مردی» و امثال آن که حتی یکی مردی و یکی دختری

• آقای استاد سید کریم امیری فیروزکوهی از ادیبان و شاعران طراز اول معاصر

هم در نظم و نثر به کرات مشاهده شده است. اولاً بطوری که ارباب تحقیق از زبان شناسی تتبع کرده‌اند، این ترکیب از قدمای اهل بخارا است که مرکز زبان دری است و هنوز هم در متون قدیم در مقابل چشم ما بظهور و جلوه‌گری، و ثانیاً همین قدر که ائمه سخن و پیشوایان کلام، امثال فردوسی و انوری و سنائی و امثالهم، با آوردن آنها در سخنان خود پرداخته و علمای لغت نیز قول آنان را بالاتفاق محک و میزان صحت و درستی لغت شناخته‌اند، دیگر برای ما که میراث‌خوار زبان و بیان آن بزرگانیم، جای شبهه و تردیدی در قبول و متابعت باقی نمی‌ماند، بنابراین کلماتی، امثال موالیان، و منازل‌ها، و نیز هم، و میعادگاه، و وقت سحرگاه و نظائر آنها که ۴۰۵ و ۴۰۶، چه در نثر و چه در نظم آن صاحبان سخن فراوان یافت می‌شود، درست و صحیح است و خلاف قول ایشان گفتن و نوشتن کاری است از باب اجتهاد مقابل نص و بازگشت از کمال به نقص.

و اما جواب فاضل محترم آقای مرتضوی در باب کلمات «یک مردی و یک وقتی» که نصیاح بین یاء نکره و وحدت قائل شده و بمغالطه‌ای شیرین و نمکین آنرا توجیه کرده‌اند، صحیح نیست، زیرا، نکره مقسم است و وحدت قسمی از آن، نه وضعی جداگانه یا مقسمی عالی‌جمله، الا اینکه این یاء‌های نکره، در سیاق عبارات فارسی، مانند انواع تنوین است در سیاق عبارات عربی، که با حفظ سمت نکرگی، گاهی افاده وحدت، و گاهی افاده بیان نوع، و زمانی افاده تکثیر، و زمان دیگر افاده تقلیل، و وقتی افاده تعظیم (و احياناً تحقیر)، و وقت دیگر افاده تحسین می‌کند، و لکن در دو مورد فوق صرفاً نکره‌ای است که دلالت بر وحدت دارد.

۳- دیگر اینکه در مورد کلمه «اخوی» که هر دو فاضل منتقد «یاء» آنرا باشتیاء، یاء متکلم و جاده تصور کرده و آقای مرتضوی با تمکین به این قول، کلمه را از جهت دیگر، یعنی عرف اصطلاح فارسی زبانان، مورد لحاظ قرار داده و با قبول یاء متکلم، کامه را بطور بسیط، در فارسی بجا و صحیح شمرده‌اند، باید دانست که این «یاء» در آن کلمه، یاء نسبت است، نه یاء متکلم، یعنی نسبت برادری دادن، و عرب هرگاه بخواهد بگوید برادر من یا برادر تو می‌گوید «اخوی» و «اخوای» (البته با مراعات اعراب آن در محال وقوع بر حسب اعراب اسماء سنه) و هر چه گاه می‌گوید «اخوی» و «اخویک» بنابراین لفظ «اخوی» را در سیاق فارسی باید گفت، ترکیبی است با یاء نسبت که در زبان فارسی بهمین معنی شایع رایج عمومیت یافته است. و همچنین است ترکیب «ابوی»

۴- در باب عبارات «هر کدام که خواستند یا هر کس که شنفتند» باید توجه داشت که شیخ اجل، عبارت هر کس و هر کسی را در موارد متعدد، بجمع و افراد هر دو مورد اسناد قرار داده و جای شبهه‌ای در صحت آن باقی نگذاشته است. در مواد دیگر از شبهات آقای حکیم‌فر نیز جای ایراد و نظر باقی است که تنها بذكر همین چند مورد ضروری اکتفاء شد.